

گفت‌وگو با محمدصادق داوری، باستان‌شناس، درباره تاریخ نهفته در «تپه باستانی قادرآباد» و بخشی از تاریخ حوضه کشف‌رود که خیلی دیر کشف شد

دشت مشهد و تاریخی همپای تمدن‌های بزرگ

هادی دقیق| خراسان با همه تاریخ پرفرازونشیبش در دوره اسلامی، تاریخی قدیمی‌تر هم دارد که چند سالی است به‌همت باستان‌شناسان و تاریخ‌پژوهان، نور بیشتری بر آن تابیده و قدری شفاف‌تر شده است. یکی از این بخش‌های قدمت‌دار تاریخ خراسان به‌ویژه دشت مشهد، حوضه کشف‌رود است. تا جایی که امروز می‌دانیم، استقرار در حوضه و حومه کشف‌رود تقریباً به ۶۰۰هزار سال پیش می‌رسد. این استقرارهای موقت در دوره‌های بعد برچیده شدند اما کمی بعد، وقتی که به دوره تاریخی و یک‌جانشینی نزدیک می‌شویم، می‌بینیم که دشت بزرگ مشهد بین کوه‌های هزارمسجد و بینالود، همچنان گزینه‌ای جذاب برای استقرار انسان است. پیرامون کشف‌رود به‌واسطه آب زیاد و هوای خوب و منابع طبیعی فراوانش، همیشه یکی از گزینه‌های زندگی انسان بوده که غذای او را تأمین و امکان زندگی‌اش را فراهم می‌کرده است، در نتیجه، سراسر کشف‌رود ظرفیت فراوانی برای مطالعات باستان‌شناسی دارد. یکی از تپه‌های باستانی این منطقه، تپه‌ای است به‌نام «قادرآباد»، تپه‌ای که نام آن از نزدیک‌ترین روستا به آن گرفته شده است.

قادرآباد جایی در نزدیکی کنارگذر شمالی مشهد است. کمی پس از سه‌راهی فردوسی در جاده مشهد به قوچان، در همین سمت آرامگاه، جاده کمربندی شمال مشهد قرار دارد که در جنوب شهر، درست از کنار تپه‌سلام سر درمی‌آورد. برگردیم به همین سمت جاده، یعنی مشهد به قوچان. در ابتدای این کنارگذر چند آبادی قرار دارد که سومین آن‌ها قادرآباد است. بعد از روستای قادرآباد، پل روگذر، از روی کشف‌رود می‌گذرد. همین‌جا در سمت راست مسیر تقریباً پانصد متر که رد رود خشک کشف را دنبال کنیم، به تپه‌ای می‌رسیم که شبیه تپه‌ماهورها و عوارض طبیعی منطقه نیست. خود تپه قادرآباد هم چندصدمتری با کشف‌رود فاصله دارد که البته برای رودی که در این‌همه سال حیاتش، مدت‌ها بسترش را عوض کرده است. چندان فاصله‌ای نیست. در تپه قادرآباد تاریخی دراز خوابیده است که بررسی‌های کارشناسی آن سبب شد در مهر۱۳۸۰ در فهرست آثار ملی قرار بگیرد. دراین‌راستا با محمدصادق داوری، باستان‌شناس و سرپرست کاوش محوطه قادرآباد، درباره تاریخ نهفته در این تپه گفت‌وگو کردیم.

پیشینه کاوش‌ها در «تپه قادرآباد»



پیشینه مطالعات تپه قادرآباد به دهه ۷۰ می‌رسد که طی بررسی‌های کارشناسان میراث فرهنگی برای معرفی آثار باستانی، تپه شناسایی شد. اولین مطالعات جدی درباره تپه قادرآباد و چهارده محوطه پیش از تاریخ دیگر در امتداد حوضه کشف‌رود و شهرستان مشهد، سال ۱۳۹۵ توسط محمدصادق داوری انجام می‌شود. او درباره این پروژه مطالعاتی چنین می‌گوید: «آن دوران هدف از این طرح مطالعاتی، نخست‌تدوین پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد بود. موضوع پایان‌نامه‌ام هم تبیین گاه‌نگاری نسبی و مطالعه چشم‌انداز فرهنگی و جغرافیایی ازجمله الگوی استقرار محوطه‌های پیش از تاریخ دشت مشهد بود. برای اولین بار در آن سال، مطالعاتی درباره داده‌های سطحی انجام گرفت که در نتیجه این مطالعات و براساس مواد فرهنگی به دست آمده از سطح تپه که بیشتر آن‌ها سفال بود، توانی فرهنگی دوره‌نوسنگی تا مفرغ قدیم و میانی، با شک و تردید شناسایی شد. این‌گونه بود که سال ۱۴۰۲ وقتی قرار شد درباره این تپه باستانی مطالعات تازه‌تری انجام شود، پروژه تعیین عرصه و حریم تپه به من پیشنهاد شد که با گروهی مجرب کار گمانه‌زنی برای تعیین حریم را آغاز کردیم. در پروژه تعیین حریم، مجبور بودیم عکس‌های هوایی قدیمی منطقه و دشت را تهیه کنیم که قدیمی‌ترین آن‌ها متعلق به سال ۱۳۳۵ بود و تقریباً یک‌ونیم برابر ابعاد کنونی تپه را نشان می‌داد. در نهایت مشخص شد که بیشترین تخریب این تپه قبل از این سال بوده است.»

هدف از بررسی‌های انجام گرفته

این باستان‌شناس در ادامه توضیح می‌دهد که پس از آغاز مطالعات تازه‌تر در گمانه‌زنی‌هایی تازه متوجه می‌شوند که گستره تپه قادرآباد، خیلی بیشتر از چیزی است که نشان می‌دهد: «ما در شعاع ۱۲۰متری از مرکز تپه به آثار برج‌ا (اتاری) که در محل اصلی‌شان قرار دارند و تاکنون جابه‌جا نشده‌اند) برخوردیم.»

به گفته داوری، براساس مطالعه برش‌هایی که سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ با بیل مکانیکی روی تپه ایجاد شده بود، تقریباً یک بنای خشتی در بدنه تپه یافت می‌شود که این شواهد در کنار گستردگی لایه‌های برج‌نشان می‌دهد وسعت این محوطه خیلی بیشتر از آن چیزی است که دیده می‌شود: «پارسال پروژه تعیین عرصه و حریم محوطه انجام و حتی در شعاع ۱۵۰متری آثاری یافت شد که می‌تواند با استقرار مرکزی تپه قادرآباد مرتبط باشد. در فصل کاوش ۱۴۰۳ نیز با هدف لایه‌نگاری برای گاه‌نگاری دقیق فرهنگ‌های دشت مشهد، در حال کاوش هستیم. در این فصل نمونه‌هایی برای آزمایش کربن ۱۴ برداشتیم که جوابشان در ماه‌های آینده خواهد آمد. شواهد نشان‌دهنده این است که توانی دوره نوسنگی تا مفرغ قدیم که براساس

داده‌های سطحی به آن رسیده بودیم، درحال تأیید است. خیلی از سفال‌های این تپه متعلق به دوره مس‌وسنگ و مفرغ قدیم هستند که مهر تأییدی بر فرضیه اولیه ماست. لایه‌نگاری همچنان ادامه دارد و در حال مستندنگاری آن هستیم، همه این‌ها نشان‌دهنده یک تپه بسیار مهم، دست‌کم از شروع دوره مس‌وسنگ تا پایان آن در حوضه کشف‌رود و دشت مشهد است.»

نکته دیگری که در مطالعه این تپه با آن رویه‌رو می‌شویم از بی‌مهری‌ها به تپه قادرآباد حکایت دارد؛ از سویی نشانه‌هایی از حفاری قاچاقچیان عتیقه دیده می‌شود و از دیگر سو، ممکن است این تپه باستانی نیز در گذشته طمع‌ه پلاشویی ناصرالدین‌شاه شده باشد. درکنار همه این‌ها، کانالی که کنار تپه حفر شده خیلی به آن آسیب زده است؛ از ردبیل مکانیکی در دورتادور تپه هم که نگوییم! این موضوع را هم با محمدصادق داوری در میان می‌گذاریم و پاسخی که می‌شنویم، این است: «در ضلع شمالی تپه کانالی وجود دارد که سال ۱۳۷۴ برای حفر چاه عمیق، ابتدا با لودر حدود هفت متر از سطح زمین‌های اطراف خاک برداری کرده‌اند. پس از آن، در کف کانال یک چاه عمیق حفر کرده‌اند که الآن پر شده است. هدف از ایجاد کانال هم زودتر رسیدن به آب‌های زیرزمینی بوده است. بر بدنه خود تپه هم ردبیل مکانیکی مشخص است که این نیز، هم‌زمان با گودبرداری کانال بوده است.

طبق گفته‌های اهالی، خاک تپه برای زمین‌های کشاورزی اطراف استفاده شده است. آنچه عکس‌های هوایی سال ۱۳۳۵ مشخص می‌کند، این است که طبق سفرنامه‌های موجود، زمانی که ناصرالدین‌شاه عزم سفر به مشهد می‌کند، سراهش، مشخصاً در دامغان، دستور می‌دهد تپه‌ای را پلاشویی کنند؛ یعنی شبی از خاک درست می‌کردند و با روان کردن آب به درون آن، نهشته‌های درون تپه را می‌شستند تا بتوانند به طلا دست پیدا کنند. به احتمال زیاد بخش زیادی از این تپه هم در همان زمان تخریب شده است. با وجود این، هنوز سندی برای پلاشویی تپه قادرآباد در دوره ناصرالدین‌شاه در دست نیست.»

در «تپه قادرآباد» چه تاریخی نهفته است؟

سؤال دیگری که به‌وجود می‌آید، این است که طبق کاوش‌های انجام‌شده، در تپه قادرآباد چه تاریخی نهفته است؟ به عبارتی، قادرآباد داده‌های کدام بخش تاریخ دشت مشهد را می‌تواند تکمیل کند و چه دوره‌ای را در برمی‌گیرد؟ توضیح این باستان‌شناس در پاسخ به ما چنین است: «داده‌های بسیار مهمی در تپه قادرآباد وجود دارد که توانی شکل‌گیری جوامع یک‌جانشین از دوره مس‌وسنگ تا روستاهای اولیه با ساخترها و طبقات اجتماعی را نشان می‌دهد. این استقرار به‌شکل پیوسته تا دوره مفرغ قدیم ادامه داشته است. در نتیجه بارها سازه‌های این تپه تجدید بنا و اندود شده‌اند. طبق شواهدی که به‌دست آوردیم، بارها از این بناها استفاده شده است. چیزی که چشم‌انداز دشت به ما نشان می‌دهد، این است که احتمالاً با یک استقرار شهرنشینی هم رویه‌رو هستیم که در عصر شهرنشینی و شکل‌گیری سلسله‌مراتب سیاسی و اجتماعی، استقرارهای بزرگ و بناهای عام‌المنفعه در آن شکل می‌گیرد. شواهد نشان می‌دهد که چنین ساختاری در قادرآباد وجود داشته است و تپه بلندی که اکنون در دشت قرار دارد، بخش مرکزی این استقرار یا شهر اولیه عصر مفرغ قدیم بوده است که بخش‌های مختلف مسکونی و گورستان دارد و بخش صنعتی آن در اطراف گسترده شده است؛ همچنین به‌دلیل رسوب‌گذاری زیاد آب کوه‌های هزارمسجد در شمال و بینالود در جنوب تپه، بخش‌های گسترده‌ای از استقرار زیر لایه‌های رسوبی مدفون است.»

پر شدن خلأ مطالعاتی فرهنگ‌های فلات ایران

داوری، پیش از آغاز مطالعات جدید، در مقاله‌ای توضیح داده بود که فرهنگ ساکنان قادرآباد را می‌شود با تمدن‌های بزرگ منطقه مقایسه کرد. از او می‌خواهیم پس از دور جدید مطالعات در این تپه، برایمان بگوید که همچنان بر آن عقیده تأکید دارد یا نه، «اگر آزمایش‌های



کربن ۱۴ فرضیه شهرنشینی ما را تأیید کند، مسلماً استقرار قادرآباد همگونی نزدیکی با استقرار تپه‌حصار دامغان، آلتین تپه و تپه نمازگاه ترکمنستان خواهد داشت و جزو اولین استقرارهایی خواهد بود که به مرحله شهرنشینی رسیده است. خراسان حلقه اتصال فرهنگ‌های آسیای مرکزی و فرهنگ‌های فلات ایران است، بنابراین مطالعات قادرآباد می‌تواند بخش بزرگی از خلأ مطالعاتی فرهنگ‌های فلات ایران را پر کند، حتی در بخش‌هایی، اگر جواب آزمایش‌ها تأیید کند. ممکن است فرهنگ‌های آسیای مرکزی را هم تحت‌تأثیر قرار دهد. خوشبختانه در آسیای مرکزی مطالعات زیادی در پنج دهه گذشته انجام شده، ولی متأسفانه در خراسان به‌ویژه در دشت مشهد مطالعات باستان‌شناسی پیش از تاریخ خیلی کم انجام شده است. بیشتر این مطالعات هم بررسی و شناسایی محوطه‌هاست. همه این‌ها باعث شده است برای مطالعات باستان‌شناسی خراسان از مطالعات و گاه‌نگاری و شاخصه‌های فرهنگی آسیای مرکزی استفاده کنیم. در نتیجه، کاوش تپه قادرآباد اولین مطالعه کیفی و جدی پیش از تاریخ در دشت مشهد و حوضه کشف‌رود است. اطلاعات و خروجی داده‌ها که باید در مرحله بعد تحلیل و بررسی شود، می‌تواند تصویر روشنی از فرهنگ‌های پیش از تاریخ در منطقه ارائه دهد. شواهد نشان می‌دهد ممکن است از این به بعد نگاهی جدی‌تر و متفاوت‌تر به فرهنگ‌های پیش از تاریخ خراسان نسبت به آسیای مرکزی داشته باشیم. در دوره‌های مختلف حوضه کشف‌رود یادست‌کم در چند دوره نوسنگی، مس‌وسنگ و مفرغ قدیم، ما شاخصه‌های ویژه منطقه را داریم که حتماً تأثیرات مختلفی بر مناطق هم‌جوارش نیز داشته است.»

تأمین اعتبار برای ادامه مطالعات «تپه قادرآباد»

حالا و پس از آغاز دور دوم مطالعات درباره تپه قادرآباد، این محوطه باستانی حریم دارد، پس باید برای آینده‌اش چه تصمیمی گرفته شود. ادامه کاوش‌ها در تپه قادرآباد، موضوع دیگری است که ما با داوری در میان می‌گذاریم و او چنین می‌گوید: «ما ضوابطی را برای عرصه و حریم تپه قادرآباد تعریف و به اداره کل میراث فرهنگی ابلاغ کردیم که در جلسه شورای حرایم ثبت خواهد شد. امیدواریم بعد از آن مسئولان خراسان رضوی برای ادامه کاوش‌های این تپه و خواناسازی و پی‌گردی بناهای موجود در تپه قادرآباد اقدام کنند؛ همچنین امیدواریم سند چشم‌اندازی برای این محوطه به‌عنوان سایت موزه و در اصل، شناسنامه دشت مشهد و هویت ساکنان خراسان بزرگ تعریف شود. ادامه مطالعات تپه قادرآباد نیازمند تأمین اعتبار و رویکرد مسئولان است. امیدواریم در فصل‌های بعدی کاوش توجهی ویژه به قادرآباد شود و بتوانیم با کاوش‌های گسترده‌تر، بخش زیادی از فرهنگ پیش از تاریخ دشت مشهد را به‌عنوان یک منطقه اتصالی روشن کنیم.»



شنبه

۱۲ آبان ۱۴۰۳
۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴
شماره ۲۳۵۵

۱۵



تاریخ و هویت

عکس: سعید گل‌آهن‌پور



مرضیه ترابی| تا حدود یک قرن پیش، نه فقط در کشور ما، بلکه در کل دنیا، بیماران مبتلا به امراض روانی مظلوم‌ترین و بی‌پناه‌ترین افراد جامعه محسوب می‌شدند. بیشتر آن‌ها در شرایطی بسیار وخیم روزگار می‌گذرانند و همچون یک جانی، در همه عمر محبوس در غل و زنجیر بودند. در همین مشهد خودمان، مرکز نگهداری چنین بیمارانی در کوچه مشهور به «دیوانه‌خانه»، نزدیک بیمارستان سینای فعلی قرار داشت و فضای آن از هر نظر یک جاذبه تمام عیار بود. به تدریج و در طول چند دهه، پزشکان انسان‌دوست و بزرگی مانند روان‌شاد دکتر موسی حجازی، به فکر ایجاد بیمارستان امراض روانی افتادند و مراکزی مانند بیمارستان حجازی در محدوده سمرقند (خیابان آیت‌ا... عبادی فعلی) شکل گرفت که از هر جهت بر نمونه‌های قبلی رجحان داشت. از سوی دیگر، مطالعه بر روی امراض روانی و شناخت آن‌ها نیز

نسبت به شناسایی دیگر امراض، روندی بسیار کند را می‌پیمود. شواهد مربوط به این موضوع در تاریخ پزشکی گواه ادعای ماست؛ بااین حال، گاه در میان اسناد موجود، مواردی از توجه به بیماری‌های روانی دیده می‌شود که عموماً نه از سرکنجکاوی و عالمانه در راستای شناسایی بیماری، بلکه به‌دلیل سرگرمی و

نوع نگاه نه‌چندان انسانی به این مقوله بوده است. اخیراً و در پی انتشار آلبوم‌های کاخ‌موزه گلستان در فضای مجازی به یکی از این شواهد دست پیدا کرده‌ایم. دو تصویر از یک بیمار روانی در آلبوم شماره ۱۲۰ که توسط یوسف‌خان عکاس‌باشی برداشته شده و احتمالاً قدیمی‌ترین عکس موجود در ایران، از چنین



بیمارانی است. این عکس در مسیر تهران به کلاردشت و بعد از مشاهده فرد بیمار، به دستور ناصرالدین‌شاه برداشته شد. اینکه چرا شاه قاجار چنین سوزه‌ای را برای عکاسی انتخاب کرده است، بر ما معلوم نیست. این دو تصویر ۱۲۰سال قدمت دارند.

